# عنوان لوح **: لوح سبحانک یا هو و یا لوح ناقوس**

مطلع لوح: **هو العزیز هذه روضة الفردوس ارتفعت فیها نغمة الله المهیمن القیوم و فیها استقرّت حوریّات الخلد**

**ما مسّهنّ احد الّا الله العزیز القدّوس...**

محل نزول: اين لوح مبارک در استامبول از قلم جمال اقدس ابهی نازل گردیده است.

تاریخ نزول: سال 1280 ه ق مطابق با سال 1863 میلادی.

مخاطب: این لوح بر حسب خواهش آقا محمد علی اصفهانی بوسیله حضرت عبدالبهاء نازل گشته.

لسان نزولی: عربی میباشد. این لوح به خط مبارک جمال القدم مرقوم و مسطور گردیده است.

مآخذ و مراجع مطالعه در باره این اثر:

ایاّم تسعه : صفحات 100-106.

ساير ملاحظات:

حضرت ولی مقدس امرالله در لوح مورخ 5 شهر الجلال سنه 98 در جواب بدیع الله آگاه آباده ای که از این لوح سؤال نموده بود میفرمایند:

"ا**ین لوح شب 5 جمادی الاولی لیل مبعث حضرت اعلی به خط مبارک جمال القدم مرقوم و مسطور گردیده تلاوت این لوح در همان لیله مبارکه محبوب و مقبول"**

علت وجه تسمیه این لوح مبارک در لوح سبحانک یاهو آنست که عبارت "سبحانک یا هو" در این لوح مبارک مکرّراً نازل گردیده است همچنین لاجل بیان "**راهب الاحدیة اضرب علی النّاقوس بما ظهر یوم الله" این لوح به لوح ناقوس نیز معروف است.**

این لوح مبارک شامل تمثیلات عرفانی بیشماری است که عظمت ظهور مبارک را نمودار میسازد. عباراتی بمثابه "هذه روضة الفردوس ارتفعت فیها نغمه الله " و "حوریّات الخلد ما مسّهنّ احد الّا الله "، "یا هود الحکم اضرب علی النّاقور"، "یا ملک النور انفخ فی الصور فی هذا الظّهور بما رکب حرف الهاء بحرف عزّ قدیم"، "یا عندلیب السّناء غنّ علی الاغصان"، " بلبل الفردوس رن علی الافنان"، " یا طیر البقاء طرّ فی هذا الهواء" وجهه ای از کیفیاتی روحانی مستور در آن مظهر کبری میباشد که به لسان تشبیه "براهل جبروت الصّفات" و "اهل ملکوت الاسماء" نازل گردیده است تا آنکه بمثابه " طیر الوفاء" در "فضاء قرب کریم " پرواز نموده و قدر این ظهور اعظم را دانسته به بیان "یا اهل الملکوت ترنّموا علی اسم المحبوب بما لاح جمال الامر عن خلف الحجبات بطراز روح منیر" مفتخر گردند.

از مهمترین مطالب این لوح جلیل آنکه جمال اقدس ابهی ظهور مبارکشان را مصداق وعده های مستور در کتب قبل دانسته و ظهور تجلّیّات این دور عظیم را به عنوان پاداشی که خداوند متعال برای عاشقین با وفای خدا مقدّر فرموده بود به اهل عالم عرضه میفرمایند.

قوله تعالی: " هذا ما وعدت به احبّائک بقولک الحقّ نرید ان نمنّ علی الّذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمّة و نجعلهم الوارثین".

**اهمّ مواضیع موجود در این لوح:**

 1توصیف عظمت ظهور و حقیقت رضوان: این است باغ بهشتی که در آن ندای الهی مرتفع گردیده است.

قوله الاعلی: "**هذه روضة الفردوس ارتفعت فیها نغمة الله المهیمن القیّوم** "

2 اين همان بهشتی است که حوریهائی که احدی به جز خدا آنها را لمس نکرده در آن مستقرّ گردیده اند.

قوله تعالی: " **و فیها استقرّت حوریّات الخلد ما مسهّنّ احد الآّ الله العزیز القدوس"**

در این جا لازم بتذکّر است که معانی حوریّه در آثار مبارکه به مفاهیم عرفانی و روحانی توصیف گردیده است. بعنوان ذکر مثال در کتاب مستطاب ایقان در مقامی معانی موجود در صدف کلمات الله به "حوری معانی" تشبیه گردیده است. جوهر کلام آنست که لفظ حوری به عنوان یک عبارت تمثیلی و تشبیهی در آثار مبارکه الهی مورد استفاده قرار گرفته است و من حیث کلّی به مفاهیم مکنون و اسرار باطنی و حقایق ازلی مستور در کلمات الهی اشاره میگردد. این حقایق مستوره در صورت کلمات به اهل عالم عرضه میگردد . این مفاهیم روحانی در اکثر الواح به صورت متفاوته مورد بر رسی قرار گرفته و علاقمندان میتوانند الواحی مثل لوح حوريّه، لوح ملّاح القدس

و سوره دم که نمونه ای از هزاران الواح نازله از یراعۀ جمال قدم است رجوع فرمایند.

3 - اشاره به عظمت ظهور: ( این است آن بهشتی که در آن عندلیب بقا که بر شاخه های سدرۀ منتهی نشسته است به نغمه سرايی که اسباب حیرت عقول را فراهم آورده مشغول است. ترجمه)

قوله الاعلی: " و فیها تغرّدعندلیب البقاء علی افنان سدرة المنتهی بالنغمة التی تتحیّر منها العقول". از جمله نکات ظریف در این عبارات آنکه "مظهر ظهور" زمان به عندلیب بقا و حقیقت مظاهر الهی و مشیّت ربانی در هر مظهر حقیقتی به عبارت تمثیلی "سدرة المنتهی" تشبیه گردیده است. جوهر و عصارۀ این عبارات تشبیهی اشاره به حقیقت مشیّت اوّلیه است که در هر ظهور به اسمی خود را نمودار میسازد. نکتۀ قابل توجّه دیگر آنکه مفاهیم روحانی در عبارت "هذه روضة الفردوس ... و فیها تغرّد عندلیب البقاء علی افنان سدرة المنتهی" بعینه در آثار دیگری مثل لوح احمد عربی نیز دیده می شود قوله المبین:

"هذه ورقة الفردوس تغنّی علی افنان سدرة البقاء بالحان قدس..."

"ورقۀ فردوس و عندلیب بقا در این عبارات اشاره به مظهر ظهور عصر است که به ارادۀ الهی بر شاخه های سدرة المنتهی و افنان بقاء نغمه سرايی نموده و اهل عالم را به به ظهور جدید و بهشت برین بشارت میدهد.

4- این است بهشتی که فقرا را به ساحل غنا رهنمون گشته و اهل عالم را به سوی کلمة الله هدایت مینماید.

قوله الاعظم: " وفیها ما یقرب الفقراء الی شاطئ الغناء و یهدی الناس الی کلمة الله ". مضمون بیان مبارک

آنکه غنای حقیقی نزدیکی به حقیقت الهی و قبول مظهر ظهور عصر(کلمة الله) بوده و این به عبارتی بهشت (الفردوس) حقیقی است که اهل عالم به آن وعده داده شده اند چه که بهشت عرفان مقام مظهر ظهور و عمل به تعالیمش میباشد.

5- ای راهب الهی زنگ رابه صدا در آور چه که یوم خدا آمد و جمال حقّ بر عرش قدس منیرش جالس گشت

قوله الاحلی: " یا راهب الاحدیّة اضرب علی النّاقوس بما ظهر یوم الله و استوی جمال العزّ علی عرش قدس منیر" این عبارت به مفاهیم اصطلاحاتی که در کتب مقدّسه قبل مثل تورات و انجیل دربارۀ ناقوس (زنگ) و به صدا درآمدن آن لاجل تنبّه مؤمنین و آمادگی ایشان در هنگام آمدن مظهر ظهور جدید اشاره نموده. بعضی از مفاهیم حقیقی و معانی مکنونه در این بیانات تشبیهی و تمثيلی را گوشزد همگان مینماید. یوم الله به یک عبارت اشاره به یوم ظهور الله است و ظهور الله اشاره به تجدید ظهور الهی است در هیکل مظهر ظهور عصر چه که حقّ جلّ جلاله بنفسه مقدّس است ازبروز و ظهور و صعود و نزول لذا ظهور حقّ اشاره ظریفی است به مظهر ظهور حقّ است که در هر عصری خود را به عرشی (هیکلی) نمودار میسازد. این مفاهیم عرفانی در کتاب مستطاب بیان فارسی حضرت نقطه اولی و کتاب ایقان و سایر الواح حضرت بهاء الله من جمله لوح سلمان لوح مدینة التّوحید و لوح توحید حقیقی بتفصیل توضیح داده شده تا شاید نفسی از حقیقت تنزیه و تقدیس حقّ غافل نگشته ظهور الله را استمرار ظهورات الهی که به ظهور مشیّت اولیّه در هر عصری در هیاکل مظاهر ظهور که اعراش آن مشیّت ازلی و ابدی محسوب میگردند پندارد.

 6- القاب مظهر امر در این لوح

1-عندلیب البقاء 2- سدرة المنتهی 3- راهب الاحدية 4- هود الحکم 5- طلعه البقا 6- ملک النور 7- حرف البقاء اشاره ای است به های هویّت که اشاره به حقیقت حقّ است ولکن از آنجاييکه حقّ بنفسه لن یدرک و لن یوصف است لذا مظهر اسم الهویّة همانا مظهر ظهور عصر است در هر زمان به هر اسمی. تفاوت مظاهر ظهور در شدّت ظهوراست درهرعصری که نسبت به ظهور قبلش شديدتر است (و فضّلنا بعضهم علی بعض ) 8- عندلیب السّنا 9- بلبل الفردوس 10- یا من لیس احد الّا هو 11- طیر البقا 12- سراج الملک 13- شمس الملک 14-رضوان الاحدیّة 15- یا من هوهو 16- طاووس الاحدیّة 17- دیک الصّمدیة 18- طیر الوفا 19- بحر الاحمر...

## 7- اهمّیّت این یوم مبارک به عنوان موعود جمیع ازمنه سالفه

"یوم الله موعود در قرآن و سایر کتب مقدّسه به این ظهور مبارک محقّق شد. قوله تعالی:

" ... بما ظهر یوم الله " وحقیقت جلوس خداوند به عرش بر ظهور مظهر امرش محقّق گشت".

" و استوی جمال العزّ علی عرش قدس منیر" ... و "استقرّ هیکل القدس علی کرسیّ عزّ منیع" ...

 (\* این بیک اشاره حقیقت آیات در مورد کرسی خدا و عرش خدا را که در سورۀ بقره وهود قرآن مجید نازل گشته مشخّص می نماید)

یوم وعده داده شده در قرآن مبتنی بر نفخه در صور فرا رسیده است. قوله تعالی: " انفخ فی الصور فی هذا الظهور..." و حقیقت آمدن موعود سوار بر ابر که در انجیل آمده به این ظهور مجدّدا تحقّق پذیرفته " رکب الاسم الاعظم علی سحاب قدس عظیم"

لقاءالله مندرج در کتب مقدّسه به این ظهور ثابت شده. "یا اهل جبروت الصّفات فی الافق الابهی استعد اللّقاء الله بماهبت نسمات القدس عن مکمن الذّات ..."

رضوان الله وعده داده شده ظاهر گشت: "...ظهر رضوان الله العلیّ المقتدر العظیم".

حقیقت سراج و مشکاة و نور مندرج در قرآن " الله نور السّموات و الارض ..." در این ظهور کشف شد. قوله تعالی: "... اضاء سراج الله فی مشکاة البقاء و استضاء منه اهل السّموات و الارض".

8- ایّام جدايی و انتظار سپری گشت چه که محبوب و معشوق حقیقی عالمیان ظاهر گردید.

قوله الاعلی: "یا ملأ العشّاق ابشروا بارواحکم بما تمّ الفراق و جاء المیثاق و ظهر المعشوق بجمال عزّ منیع". که مضمون این بیان عرفانی آنکه: ای عاشقان حقیقی جمال ابهی به سرور و خوشحالی روحانی مشغول گردید

چه که ایام جدایی گذشت و وعده حقّ تحقّق یافت و معشوق حقیقی به عرصۀ ظهور درآمد.

و ای عارفان ازصمیم قلب مسرورباشید و با تمام وجود خوشحال شوید چه که ایّام ایقان فرا رسیده است.

قوله الاحلی: " یا ملأ عرفان سرّوا بذواتکم بما ذهب الهجران و جاء الایقان و لاح جمال الغلام بطراز القدس فی فردوس اسم مکین".

از آنجایی که یوم الهی یوم ظهور مظهر امرالله است لذا عارف حقیقی کسی است که مظهر ظهور جدید را شناخته به مقصد اصلی خودکه ایقان است واصل گردد.

9- تأکید در عظمت ظهور و بیان این مطلب که این ایّام قابل قیاس با ادوار قبل نبوده و نیست و از جهتی هدف جمیع اعصار قبل و بعد است.

قوله الاعظم: " اللّهمّ یا الهی اسئلک بیومک الذّی فیه بعثت کلّ الایّام و بان منه احصیت زمن الاوّلین و الآخرین".

10- طلب توفیق و انقطاع از ماسوی الله و اقبال به سوی حقّ و بر افروختن شعله عشق و محبّت در قلوب.

قوله المتین: "ان تجعل هولءا اغنیا عن دونک و مقبلین الیک و منقطعین عمّن سواک ... ثمّ اجعلهم یا الهی مقرّین بوحدانیّتک و مذعنین بفردانیّتک بحیث لا یشاهدون دونک و لا ینظرون غیرک... ثمّ احدث یا الهی یا محبوبی فی قلوبهم حرارة حبّک علی قدر یحترق بها ذکر غیرک...".

مضمون بیان مبارکه به فارسی آنکه: قرار بده این عباد را بی نیاز از مادون خودت ( آنان را از غیر حقّ نیازبی کن ) تا مقرّ بوحدانیّت تو گردند و به غیر از حقّ و حقیقت به چیزی ناظر نگردند ... در قلوبشان آتش عشق خودت را بر افروز تا به آن آتش بتوانند از غیر تو منقطع گشته ذکر غیر تو را بسوزانند.

نکته قابل توجه در بیان ( احدث یا الهی قلوبهم حرارة حبّک" آنکه حقیقت روحانی " کشّعلة النّار لاعدائی " را که در لوح احمد علی نازل گردیده به عرصه ظهورمی آورد و شعله نار را نار محبّت و عشق دانسته اهمّیّت ارتباط

الواح را با یکدیگرو حفظ "وحدت معانی" در جمیع آثار الله را تأکید مینماید.

11- موحّد حقیقی کسی است که به غیر از حقّ نپردازد و به امری که حقیقت ندارد مشغول نگردد.

قوله الاعظم: " لان عبادک الذّین یریدون ان یریدون ان یرتقوا الی معارج توحیدک لو تستقرّ انفسهم علی ذکر دونک لن یصدق علیهم حکم التّوحید و لن یثبت شأنهم سمة التّفرید".

مضمون آن به فارسی چنین است که: آن نفوسی که قصد و آرزوی آنرا دارند که مدارج وحدت و یگانگی و توحید حقّ را طی نمایند نباید به غیر حقیقت به امری توجه نمایند چه که اگر به غیر از حقّ مشغول شوند هرگز حکم وحدت و توحید دربارۀ آنان صادق نیاید.

12- دعای مظهر امر (حضرت بهاء الله ) و طلب نزول تأیید برای مؤمنین خود تا به آنچه نازل گردیده عامل شوند چه که از سماء امر الهی هر آنچه که لازمه پاکی و تقدیس قلوب و علت ارتفاع و وصول ایشان به مقامات عالیه و غلبه بر جمیع امورات است صادر گشته است تا اسباب وصول و تحقّق وعده الهی را فراهم آورد که فرموده اند که ضعفا را وارث خود خواهند نمود. در انتهای اين لوح مبين حضرت بهاء الله آرزوی تأييد برای مؤمنين خود نموده از درگاه الهی مسألت مینمایند که آنچه را اسباب تطهیر حقیقی مؤمنین و فتح و ظفر ایشان است فراهم نموده تا مؤیّد به وصول مقامات عالیه انسانی گشته مفهوم حقیقی آیه قرآن را که خداوند به ضعفا وعده میدهد که ایشان را وارثین خود قرار دهد را تحقّق بخشد. قوله المبین: "**انزل من سحاب رحمتک ما یظهر به افئدة محبّيک و یقدس به قلوب عاشقیک ثمّ ارفعهم برفعتک ثمّ غلبهم علی من علی الارض و هذا وعدت به احبّائک بقولک الحقّ نرید ان نمنّ علی الذّین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمّة و نجعلهم الوارثین".**

اسم لوح: لوح ارض با

مخاطب: به افتخار حضرت عبدالبهاء نازل گردیده است.

مطلع لوح: هوالله تعالی شأنه العظمة و الاقتدار حمداً لمن تشرّف ارض الباء بقدوم من طاب حوله الاسماء

محلّ نزول : عکّا

سال نزول: در زمانی که حضرت عبدالبهاء بر حسب دعوت مدحت پاشا صدر اعظم سابق عثمانی به بیروت تشریف بردند.

لسان نزولی: عربی

مأخذ مطالعه لوح: الواح بعد از کتاب اقدس ص 138.

حیات حضرت عبدالبهاء محمّد علی فیضی ص 50.

اهمّ مواضیع لوح:

جمیع مطالب این لوح عظیم الشّأن در مورد عظمت مقام حضرت عبدالبهاء و ارتباط خارق العاده بین حضرت عبدالبهاء و اب بزرگوارشان جمال اقدس ابهی میباشد.

1. فضل حقّ بر بیروت (ارض باء) لاجل تشرّف بقدوم حضرت عبدالبهاء.

"حمدأ لمن تشرّف ارض الباء بقدوم من طاف حوله الاسمآء"

1. القاب منیع حضرت عبدالبهاء که از یراعۀ مبارکه جمال قدم عزّ نزول یافته است
2. من طاف حوله الاسماء 2- غصن الله الاعظم العظیم"
3. "سرّالله الاقوم القویم"
4. اهمّیّت عهد و پیمان با حضرت عبدالبهاء: (خوشا بحال سمعی که به شنیدن ندای او مشرّف شود و قلبی که عشق او در آن باشد و قلمی که بذکر ثنای او مشغول گردد)

"طوبی ثمّ طوبی لارض فازت بقدومه و لعین قرّت بجماله و لسمع تشرّف باصغاء ندآه و لقلب ذاق حلاوة حبّه و لصدر رحب بذکره و لقلم تحرّک علی ثنائه و للوح حمل آثاره"

جلوه ای از عشق عمیق بین جمال اقدس ابهی و حضرت سرّالله الاعظم

عزیمت حضرت عبدالبها سبب سرور ارض با (بیروت) شد در حالی که ارض سجن (مقرّ جمال اقدس ابهی)

مکدّر گردید. قوله الاحلی: "...خرج من باب السّجن و افقه شمس جمال غصن الله الاعظم العظیم... بذلک تکدّرت ارض السّجن و فرحت اخری"

عنوان لوح: سوره قدیر( هذه سورة القدیر)

مطلع لوح : هذه سورة القدیر قد قدّرناها فی جبروت البقاء... هو الحقّ البهی الابهی.

مخاطب: اهل عالم، اهل بیان و مظاهر قدرت (علماء و امرا)

سال نزول: من بعد مراجعت آن حضرت از سلیمانیه

محلّ نزول: بغداد

لسان نزولی : عربی

مأخذ مطالعه در باره این اثر:

1. آثار قلم اعلی . جلد 4 ص 320-317

### سایر ملاحظات

1. یک نسخه خطّی این لوح بخطّ زین المقرّبین موجود است که بتاریخ 1288 ه ق در موصل

 نوشته شده است.

2- مخاطب اصلی این لوح اهل عالم میباشد ( ... و انزلناها علی العباد لیکون لهم سراجاً مضيئاً)

و هم چنین میفرمایند قوله تعالی: " یا قوم فاجعلوا قلوبکم مرآتاً...)

به علما و امرا که مظاهر قدرت بوده خطابات لایحصی نازل گردیده است ( ان یا مسمیات هذا الاسم و مظاهره ...)

اهل بیان بطور اخصّ مورد خطاب جمال اقدس ابهی واقع گشته اند (قل یا ملأ البیان)

اهمّ مواضیع موجود در این لوح:

عظمت مقام نفوسی که از شئونات نفس و هوی منقطع می گردند.

این لوح حکایت از قدرت و قوای مکنونه در مؤمنین او مینماید.

اگر اهل عالم خود را از شئونات وهم و هوی پاک و مقدّس نمایند قادر خواهند شد که به مدارج عالیه صعود نموده و به آنچه روح القدس نطق نمود ناطق شوند.

" لو یضعن انفسهم عن غبرة الوهم و الهوی لیصعد الی مقاعد القصوی و ینطقعنّ بما نطق روح القدس..."

2- نزول این لوح ممکنات را قادر نموده که آثار قدرت حقّ را در وجود خودشان مشاهده نمایند.

"ان یا شمس اسمی القدیر فاستبشرق علی الکائنات ببدایع قدرة ربّک لیشهدون کلّ الاشیاء فی

انفسهم قدرة الله المقتدر العزیز المحبوب".

اگر فردی قلبش را بمثابه مرآتی در مقابل خورشید حقیقت و شمس ظهور قرار دهد خداوند متعال او را بر اجرای همه نوع کاری مؤیّد میفرماید تا جايی که اگر به جمیع موجودات خطاب نماید منقلب شوید جمیعاً منقلب خواهد گشت.

" اذ یا قوم فاجعلوا قلوبکم مرآتاً لهذا الشّمس لینطبع فیها انوارها و تجلّیها... و من انطبع فیه تجلّی

هذا الاسم لیجعله الله قادراً علی کلّ شئ فانقلب کلّهم ینقلبون ..."

4- به خاطر نزول سورة القدیر جمیع موجودات در حدّ خودشان صاحب قدرت گشته اند چه که روائح

 قدرت بر جمیع وزیده است.

" ومن هذا اللّوح هبت روائح القدرة علی کلّ ذی قدرة و یهب کیف یشاء بامر من عنده .. و ان مثل هذا الاسم فی هذا اللّوح کمثل معین الماء یجری فی الانهار شتی کذلک من هذا الاسم يجری میاه القدرة فی انهار الموجودات و یأخذ من یشاء علی قدر مقدور"

5- مظاهر قدرت باید مواظب باشند که مبادا قدرت ایشان را از ذکر حقّ باز دارد و اسباب غرور

و استکبار را برای ایشان ایجاد نماید.

"ایاک ان لا یعرفک شئ ... و لا تکن من الذّین اذا شهدوا انفسهم فی علوّ و ارتفاع غفلوا عن ذکر ربّهم

ثمّ استکبروا علی الله الذّی خلقهم بارادة من عنده..."

6- ای مظاهر قدرت از آنچه در این دنیا وجود دارد منقطع گردید و به آن توجّهی ننمایید و اجازه ندهيد

که ملکوت اسماء شما را از ذکر پروردگارتان منع نماید.

" ان یا مسمیات هذا الاسم و مظاهره ان استمعوا نداء ربّکم الرّحمن ... و لا تلتفتوا الی ما قدر فی

الاکوان و لا تکوننّ من اللذّینهم لا یفقهون ایّاکم عن لا یغرّنکم الاسماء عن ذکر بارئکم ..."

نفوسی که دارای قدرت هستند باید همیشه مواظب باشند و اجازه ندهند که چیزی ایشان را

داشتن خضوع و خشوع در برابر حقّ منع نماید.

" ایّاکم ان لا یمنعکم شئ عن الخضوع بین ید الله"

 توجّه مؤمنین به اینکه مثل یحیی ازل نشوند که به فضل حقّ در بین ناس مشهور گشت ولکن وقتی خودش را در مقام عزّت و رفعت دید به آن کسی که این فضل را در حقش جاری نموده بود (حضرت بهاء الله) استکبار ورزیده برعليه اش قیام نمود.

" لا تکونوا بمثل الذّی ارفعنا امره بین العباد ثمّ اشتهرنا ذکره فی البلاد فلما شهد نفسه علی عزّ و ارتفاع اذا استکبر علی الذّی خلقه و سواه و بلغ الی مقام الذّی اعترض تلقاء الوجه و فرّط فی جنب الله ..."

مقام مظاهر اسم قدرت باید بتهای اوهامات را شکسته خود را از جمیع ممکنات منقطع نموده و سعی نمایند که جمیع مردم را در ظلّ پروردگار درآورند ( تبلیغ نمایند).

" یا اسمی انّا جعلناک مظهر هذا الاسم لتدع کلّ الممکنات عن ورائک و تکسر اصنام الوهم

من کل شئ و تدخل الکلّ فی ظلّ ربّک العزیز المجبوب".

مظاهر قدرت باید حقّ را در جمیع شئون یاری نمایند تا پرچمهای نصرت حقّ بلند شود (اعلام نصرت حقّ را به قدر طاقت خود مرتفع نمایند)

"...و تنصر ربکّ فی کلّ شأن بما استطعت لیرتفع اعلام النّصر علی مقاعد قدس مرفوع"

خطابات به اهل بیان: اگر شما این غلام را یاری نکنید خداوند متعال مثل همیشه او را نصرت خواهد نمود.

"یا ملأ البیان انّکم (ايّاکم؟) ان لن تنصروا الغلام فسوف ینصره الله کما نصره بالحقّ اذا کان فی السّجن...

12- استقامت بر امر مبارک و تبلیغ شریعت الله.

" ان استقم علی الامر ثمّ ذکّر النّاس بما الهمک الرّوح"

13- توکّل نمودن به حقّ و از احدی ترس نداشتن همانا او محافظ همگان است از شرّ کافرین و مشرکین.

" لا تخف فتوکّل علی الله ربّک و انّه یحرسک عن الذّینهم کفروا و اشرکوا"

14- با ارزش ترین چیز برای تو آنست که از جمیع آنچه تو را از راه حقّ منحرف می سازد خود را پاک

ورهايی بخشی و مقدّس گردی.

"قدّس نفسک عن کل ما یمنعک عن صراط الله الذّی له ما فی السّموات و ما فی الارض و ان هذا خير لک عمّا کنز فی ملکوت الامر و الخلق".

سورة الهجر

مخاطب: حسین

محلّ نزول: ادرنه

سال نزول: در اوايل دوران ادرنه نازل گردیده است.

لسان نزولی: عربی

مطلع لوح: هذا سورة الهجر نزّلناها بالحقّ لیظهر بها مظلومیّتی بین الارضین والسّموات هوالباقی باسمی فی ملکوت الاعلی...

مراجع درباره این اثر:

قلم اعلی جلد 4 صفحات 72- 74

سایر ملاحظات:

نام مخاطب این لوح از متن خود لوح مستفاد میگردد. قوله تعالی:

"و انّک انت یا حسین اسمع نداء سمیک الذّی ابتلی فی الارض بما اکتسبت ایدی ظالمين

من هولاء المغلّین".

علّت تسمیه این لوح مبارک به سورة الهجر آنستکه در آن بشرح سوزو گدازو هجران پرداخته و به خروج از مدینة الله وحده اشاره میفرمایند.

از نکات مهمه این لوح آنکه بلایا و محن را سبب اتّکای آن حضرت بر حقایق الهی دانسته و غیر از خود ناصری و معینی لاجل خود نمیبینند.

اشاره به بلایای وارده بر حضرتشان و اراده هجرت و خروج از بین مردم.

"قول یا قوم هذا جمال القدم وقف بین السّموات و الارض یبکی و یصح... قل انّه یرید ان یخرج عن بینکم وحده و لم یکن معه احد الّا نفسه..."

خطاب به اهل عالم: که ای مردم روی زمین اگر نصرت نمی کنید مظهر امر را پس به ایذا و اذیّتش هم مپردازید.

"انتم یا ملأ الارض ان لننتصروه لا تقتلوه باسیاف الکفر و لا تسفکوا ما یستر عنه جمال الامر خافوا عن الله

و لا تکوننّ من المفسدین".

6- گر چه تنهاست مظهر امر بصورت ظاهر ولکن فی الحقیقه اهل ملأ اعلی و جبروت بقا او را یاری می دهند.

 " قل انّه ولویخرج وحده ولکن یکون معه جنود العزّ ثمّ اهل جبروت البقاء و ملکوت العماء..."

7- یار و یاورمظهر امر زفرات و عبرات اوست طعا مش قطعات جگرش و آتش رشحات خونش می باشد همدمش انگشتانش و مصاحبش قلم او میباشد.

قل ان معینه زفراته و ناصره عبراته و طعامی کبدی و شرابی رشحات دمی و انیسی اناملی و مصاحبی قلمی و ظهری التوکّل علی الله... و حزبی لحناتی و معاشری نغماتی و مرآتی جمالی ان انتم من العارفین..."

8- نفس مظهر ظهور کفایت می کند او را چه که به قدرت حقّ او بتنهايی بر جمیع اهل عالم غلبه پیدا میکند.

.

" قل انّا اکتفينا بنفسنا الحقّ عن کل من السّموات و الارض و یشهد بذلک قيامی فی ملکوت الملک بین الملوک و السّلاطین..."